



قاجاران به روایت

مستوفی

• مریم رنجکش

- شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه
- عبدالله مستوفی (تولد ۱۲۵۵ ه. ش / وفات ۱۳۲۶ ه. ش.)
- تهران، نشر هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۶، دوجلد و ۲۵۷۸ صفحه

عبدالله مستوفی فرزند میرزا نصرالله مستوفی در سال ۱۲۵۵ ه. ش در محله سرچشمه تهران به دنیا آمد. میرزا اسماعیل مستوفی جد وی اهل استرآباد و پیشکار آقامحمدخان قاجار بود. وی از زمان به قدرت رسیدن و حکومت خان قاجار در سمت مستوفی به امور مالی و دیوانی حکومت قاجاریه پرداخت. (عبدالله مستوفی، ۲/۱-۳) قتل آقامحمدخان و به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه قاجار وقفه‌ای در کار میرزا اسماعیل ایجاد نکرد. وی علاوه بر استیفای اصفهان، ساوه، کردستان، عراق، محلات، طارم و کرمانشاهان شخص اول مالیه بعد از مستوفی الممالک بود که تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه ادامه داشت. (۲۷/۱) بعد از مرگ میرزا اسماعیل، میرزا نصرالله به فرمان ناصرالدین شاه شغل پدر را به عهده گرفت (۲۸/۱) با درگذشت وی در سال ۱۳۰۷ ه. ق، ناصرالدین شاه رسیدگی امور مالیاتی و استیفا را به عهده فرزند بزرگش، میرزا محمود گذاشت. (۴۵۵/۱-۴۵۸)

عبدالله مستوفی بنا به سنت آموزشی آن دوره و جایگاه طبقاتی خویش، در مکتب و نزد معلمان سرخانه به تحصیل زبان، معانی فارسی و عربی، اصول فقه، منطق، تفسیر، حدیث و ... پرداخت. (۲۲۱/۱-۲۳۹-۲۱۸/۱) با تأسیس مدرسه سیاسی به همت میرزا حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا) در آن مدرسه پذیرفته شد. و پس از چهار سال تحصیل، از مدرسه سیاسی فارغ‌التحصیل و از طرف استادش میرزا حسن خان مشیرالدوله و وزارت خارجه، مأمور سفارت ایران در پترزبورگ شد. (۶۷/۲-۷۰، ۸۲-۸۵) بعد از ۵ سال به تهران فراخوانده شد و به معاونت اول اداره روس در وزارت خارجه (۲۹۳/۲) و سپس به کفالت اداره دول غیرهم‌جوار برگزیده شد. (۳۰۰/۲)

وی هم‌چنین تدریس حقوق اساسی در کلاس پنجم مدرسه سیاسی، تاریخ ایران و عرب در کلاس‌های دوم و سوم را به عهده گرفت. (۳۱۴/۲) هیأت مدیره «شرکت فرهنگ» که توسط فارغ‌التحصیلان

بنا به گفته مؤلف کتاب «شرح زندگانی من» در طول چهار و پنج سال از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ ه. ش نوشته شده است. ۶۷۳/۳ مستوفی به جز کتاب فوق چندین کتاب و رساله ترجمه و تألیف کرده است که از جمله ترجمه «تاریخ انقلاب کبیر فرانسه» که پس از انقلاب مشروطیت جهت آگاهی مردم ایران و اینکه مشروطه دچار «بی‌تقوایی به تراز استبداد» نشود به مشروطه ایران تقدیم کرد. (۱۶۵/۲). رساله «باطل الباطل» در رد قرارداد رئیس‌الوزراء وثوق‌الدوله (۱/۳) و تهیه طرحی برای قانون استخدام کشور به کمک محمد مظاهر و تصویب

این کتاب در واقع نمایان‌گر نمونه‌ای از تحول تاریخ‌نگاری سنتی صدساله اخیر در کشورمان است که محور و مدار حوادث حکومت، دربار، دشمنان و نبردها و کشمکش‌های قدرتمندان و دست‌به‌دست شدن قدرت و در نهایت تعریف و تحسین فاتحان نیست

می‌گیرد، بیشتر قابل استناد و اتکا به عنوان منبع تاریخی باشد. او حوادث مشروطه را به نقل از نامه‌های برادرش می‌نویسد (۱۶۳/۲) و حوادث بمباران مجلس و استبداد صغیر و حرکت آزادی‌خواهان به سوی تهران، که مؤلف در آن زمان در پترزبورگ بسر می‌برد، از روزنامه‌های چپ و راست پترزبورگ گردآوری شده است. (۲۸۰/۲)

مستوفی مستندات تاریخی را دیده‌ها و شنیده‌ها می‌داند (۱۸۷/۲) و به عقیده وی تاریخ صحیح، نگارش دیده‌ها و شنیده‌ها بدون غرض‌و‌زی و جانب‌داری است. (۳۶/۱)

با توجه به تحصیل، تجارب، مشاغل و نکته‌سنجی وی و براساس آنچه که از نوشته‌هایش برمی‌آید، او فردی آگاه به مسایل زمانه خویش بود که ضمن بررسی مسائل به نکته‌های ظریفی اشاره می‌کند. او فعال مایشاء بدون روسیه را در قبال نمایندگان سیاسی ایران و برخورد منفعلانه مسئولان امور را به خوبی تشریح می‌کند. (۱۷۹/۲) و امکانات کشورهای اروپایی خاصه بریتانیا را شامل امور زراعی، حمل و نقل، کالاهای مصرفی و تجهیزات هر یک را با آنچه که در ایران می‌گذرد، مقایسه می‌کند. (۱۸۴/۲-۱۸۸) او در طی سفر به لندن، بنا به روش خود به تمام جزئیات و اخبار سفر و ملاقات‌ها می‌پردازد و می‌گوید در این کشور همه چیز را به حد خوب تربیت می‌کنند... و فقط عیب آن‌ها تعدی به سایرین است. (۱۹۲/۲-۱۹۳)

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، محور کتاب شرح زندگانی من، تاریخ زندگی عبدالله مستوفی و اسلاف اوست. او در ضمن نگارش جزئیات امور زندگانی خود و خانواده‌اش بدین معنی که همه آنچه که در زندگی روزمره او گذشته است شامل تولد، تعلیم و تربیت، ازدواج اعضای خانواده و بستگان دور و نزدیک، سفرها، بیماری، مرگ، مراسم عزاداری، جشن‌ها، دید و بازدیدها، سنت‌ها و عادات خانوادگی، خدمت کارها، رعیت و افرادی که در خدمت خانواده او بودند حتی حیوانات خانگی را با جزئیات کامل به تصویر می‌کشد. و در آخر بعد از شرح ماجرا در خصوص هر یک نتیجه‌گیری می‌کند و نظر خود را بیان می‌کند.

گذشته از این خاطرها، مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی کل جامعه نیز از نگاه تیزبین وی دور نمانده است. روند سیاسی کشور ویژگی حاکم بر دربار، اعمال شاه، (۱۰۶/۱-۱۰۷؛ ۱۰۷/۲؛ ۱۰۷/۲-۴۹؛ ۵۲-۳۸۲/۱-۳۸۳) شیوه کار وزراء و وزارت‌خانه‌ها در دوره قاجار، (۳۷۱/۲-۳۸۱) و افراد منسوب به دربار (۱۳۴/۱؛ ۳۷۷/۱؛ ۱۰۶/۱؛ ۷۹/۱؛ ۱۲۸/۱؛ ۶۵-۷۵؛ ۸۶؛ ۱۱۶/۱-۱۲۳) امتیازها و قراردادهای بیگانگان و مطامع آنان (۴۷۲/۱؛ ۲۴۷/۲؛ ۱۱/۳).

آن از طرف مجلس در سال ۱۳۰۱ و اجرای آن به عنوان قانون استخدام کشور است. (۴۷۱/۳-۴۷۳)

ارزنده‌ترین کتاب مستوفی، «شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه» است که در سه جلد، شامل جلد اول از آقامحمدخان قاجار تا آخر ناصرالدین شاه، جلد دوم از سلطنت مظفرالدین شاه تا قرارداد وثوق‌الدوله با انگلیس و جلد سوم از کابینه قرارداد وثوق‌الدوله تا آخر مجلس مؤسسان است.

هدف مؤلف از تألیف کتاب به اعتراف خود، تشریح اوضاع اجتماعی و اداری خصوصاً روشن ساختن طرز جریان کارهای دولتی و اداری در شصت و هفتاد ساله ایام زندگانی اوست. ولی برای تبیین بهتر حوادث زمان خود، به توضیح اوضاع ماقبل حیات خویش نیز اشاره دارد. به گفته مؤلف بسط مقال برخی از وقایع زندگی خود و اسلاف خویش، اشخاص و افزودن حکایت‌ها و شوخی‌ها از دیده‌ها و شنیده‌ها صرفاً برای روشن کردن اوضاع اجتماعی و اداری و تنوع بخشیدن مطالب و درآوردن آن‌ها از خشکی و بی‌روحی است نه خودستایی.

مقدمه

مستوفی در خصوص منابع مطالب خود و نحوه گردآوری آن‌ها نیز کم و بیش اشاره دارد. قبل از هر چیز تصریح می‌کند که ادعای تاریخ‌نگاری ندارد. وی «شرح زندگانی من» را چیز دیگر و تاریخ‌نویسی را کار دیگر می‌داند. (۱۶۳/۲، ۲۰۸/۳ و ۶۷۳)

به رغم این اعتراف و تأکید مؤلف بر خاطر‌نویسی، کتاب از مجموعه مطالبی تشکیل شده است که بسیاری از واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، اداری، اقتصادی و فرهنگی گذشته خاصه زمان حیات نویسنده را به وضوح نشان می‌دهد. این کتاب در واقع نمایان‌گر نمونه‌ای از تحول تاریخ‌نگاری سنتی صدساله اخیر در کشورمان است. نمونه‌ای که برخلاف تألیف‌های تاریخی قبلی، محور و مدار حوادث حکومت، دربار، دشمنان و نبردها و کشمکش‌های قدرتمندان و دست‌به‌دست شدن قدرت و در نهایت تعریف و تحسین فاتحان نیست. بلکه بخش زیادی از آن به سنت‌ها، آداب، زندگی و فرهنگ توده مردم اختصاص می‌یابد. وی در خصوص بخشی از مطالب کتاب یعنی وقایع قبل از تولد خود می‌نویسد که وقایع تاریخی را از روی روزنامه‌ها و تواریخ گذشته و شنیده‌های خود آورده که استنباط خویش را نیز به آن افزوده است و از سال ۱۳۰۰ به بعد منبع اخبار، دیده‌ها و شنیده‌های اوست که با برداشت خود می‌نویسد. (۱۵۱/۱) به نظر می‌رسد مسایل مالی و گزارش‌های مربوط به آن که در حوزه حرفه خانوادگی و موروثی مستوفی قرار

توجه مستوفی به برخی از باورها، جریان‌ها و اعتقادات عامه مردم، وجه دیگر شخصیت او را نشان می‌دهد

بودجه کشور بعد از مشروطه (۲۵۰/۲-۲۵۲)، نرخ اجناس (۱۵۹/۱)، ۲۲۸/۱؛ قدرت خرید مردم (۲۱۵/۱)؛ موجب نوکرها (۲۳۱/۱)؛ رواج تجمل‌گرایی و استفاده از کالاهای وارداتی خاصه روسی (۲۹۳/۱-۲۹۶) و ارزان شدن کالاهای روسی (۵۸/۲) موضوع‌های اقتصادی دیگر این اثر را شامل می‌شود.

نگاه مستوفی به نظام ارباب و رعیتی و لزوم تغییر آن نگاهی کاملاً از موضع طبقاتی است وی از موضع یک مالک به این مسأله می‌نگرد. از نظر وی معامله مالک و رعیت معامله دو نفر شریک و شرکت آنان یعنی شرکت سرمایه، کار و ابزار بهترین روش جلوگیری از استثمار بی‌ضابطه سرمایه از بازوست و بر آن اصل ایرادی نمی‌توان گرفت. او نظام رعیتی ایرانی را با رعیت اروپایی مقایسه می‌کند و رعیت ایرانی را شریک مالک می‌داند و استفاده نامشروع مالک و مباشر را از رعیت ایرانی رد می‌کند. وی معتقد است که این سیستم دارای محسنات مادی و معنوی است که نتیجه آن ازدیاد تولید ثروت داخلی و ملی و سعی و تلاش بی‌دریغ رعیت و استقلال و آزادی فکری اوست (۲۷۹/۳-۲۸۰). مستوفی در مخالفت با تقسیم اراضی و توجیه آن می‌گوید: «بشر یکسان خلق نشده است یکی فعال، مقتصد و دوربین است و دیگری تنبل، مسرف و بی‌فکر ... و باور او این است که در برخی از جاها (اروپا) که زمین بین رعایا قسمت شده است، عده‌ای با سهم کم، بر اثر فعالیت و میانه‌روی و دوربینی خود بعد از چندسالی ملاک درست و حسابی شده و پارهای از آن‌ها به علت تنبلی و اسراف و بی‌فکری مجبور شدند ملک خود را به رفیق کاری و باهوش خود بفروشند. بنابراین از این تقسیم اراضی هم مقصودی حاصل نمی‌شود. (۲۸۲/۳)

برخورد و دیدگاه مستوفی نسبت به برخی مقوله‌ها دوگانه به‌نظر می‌رسد؛ او از اقشار مرفه و اشرافی جامعه قاجاری است و به اصالت طبقه خود و تفاوت طبقاتی اعتقاد دارد. از یک سو، مکتب‌خانه‌های خانوادگی و اختصاصی زمان گذشته را به مدارس جدید که افراد از طبقات مختلف به آن راه می‌یابند، ترجیح می‌دهد. (۲۲۱/۱-۲۲۲) و واژه‌هایی نوکر، آقازاده، و بچه‌نوکر در کتاب او بسیار مشاهده می‌شود (۲۲۷/۱-۲۶۰)

از ویژگی دیگر تألیف مستوفی به رغم توجه و علاقه او به طنز و اشعار فکاهی، رعایت «عفت قلم» به اصطلاح خود اوست. وی در توصیف طنزپردازان و آوردن نمونه‌هایی از اشعار فکاهی آنان، از هرزنگاری به زعم خود به جهت استهسان خودداری می‌کند. (۵۲۳/۱)

بررسی و رویکرد هر یک از رجال سیاسی و فرهنگی در دوره قاجار، کارآمدی یا عدم توان‌مندی و بی‌خبری آنان، (۱۷۴-۱۶۶/۲)؛ ۸۱/۱؛ ۱۰۵/۱؛ ۱۴۴/۱؛ ۵۴/۲-۵۷)، حوادث بعد از مشروطیت و تندروی‌های انقلابی‌ها از جمله مخالفت وی با اعدام شیخ فضل‌الله نوری (۳۸۹/۲)، نحوه ارتقاء در نظام استبدادی و سلسله مراتب در دربار (۳۹۰/۱)، مشاغل اختصاصی موروثی دولتی (۳۹۱/۱) و با توجه به بحران سیاسی اواخر دوره قاجار به کودتای ۱۲۹۹ (۲۰۰/۳-۲۰۸)، چگونگی سقوط سید ضیاءالدین طباطبایی (۲۶۶/۳-۲۷۱) و روند جنبش‌های سیاسی آن زمان، همانند کلنل پسیان، (۳۵۱/۳) و میرزا کوچک‌خان، (۳۶۴/۳-۳۶۵) از مباحث مورد توجه مستوفی است که خصوصاً در جلد سوم بیشترین بخش کتاب را به خود اختصاص می‌دهد.

از باورهای دیگر مستوفی لزوم اجرای قانون در دوره دموکراسی (۱۱۴/۱) و مخالف وی با بوروکراسی (۴۴۱/۲) است به نظر او حکومت‌های دیکتاتوری و استبداد پیشرفت‌های کوچک را بزرگ می‌کنند و برای آن فتح‌نامه می‌نویسند و در قبال شکست‌های بزرگ سکوت می‌کنند و در روزنامه‌ها و کتاب‌ها در این خصوص حرفی نمی‌زنند. (۹۴/۱)

یکی از بخش‌های مهم کتاب شرح زندگانی من که بیشتر جلد اول و دوم کتاب را دربرمی‌گیرد، پرداختن به مسائل اجتماعی است. مستوفی سنت‌ها، عادات اجتماعی و افراد فرودست و همه و همه را با ذکر حکایت و مثل به خوبی نشان می‌دهد. پوشاک، (۱۱۸/۱)، ۱۵۸/۱-۱۶۶، ۵۱/۱، مشاغل مختلف (۱۶۳/۱-۱۶۴) تعزیه‌خوانی (۲۷۴/۱)، نحوه آموزش سنتی (۲۱۸/۱)، عید نوروز و مراسم آن (۳۵۴/۱) غذاها و سنت‌های خانه‌های ایرانی و لوازم زندگی، (۱۷۷/۱-۱۷۹)، بنایی (۲۷۱/۱-۲۸۰)؛ تکیه‌های تهران (۲۹۹/۱-۳۰۳) ساختمان خانه‌های اعیانی (۱۷۱/۱-۱۷۴)، عروسی (۲۱۲/۱-۲۱۴)، مجالس هفتم (۴۵۶/۱)، نذری‌پزی (۲۸۴/۱) همه این‌ها و موضوعات بی‌شمار دیگر اموری هستند که مستوفی به تشریح و توصیف دقیق آن‌ها پرداخته است.

توجه مستوفی به برخی از باورها، جریان‌ها و اعتقادات عامه مردم، وجه دیگر شخصیت او را نشان می‌دهد. به طور مثال اظهارنظرهای جانب‌دارانه مستوفی و توصیف پارهای اعتقادات و مراسم عوام مانند جشن خنده یا جشن عمر یا نظر مؤلف در خصوص دیوانگی و جنون که آن را عارضه‌ای می‌داند که یک شبه بر افراد عارض می‌شود (۲۶۶/۱-۲۷۰)، یا نظر وی به این که «خانم‌ها در آن روزها نیز مثل همیشه کمتر منطق می‌فهمیدند» (۳۴۹/۱) و یا توسل وی به تفأل در جریان کودتای ۱۲۹۹ و انتشار خبر ریاست وزرایی سید ضیاءالدین طباطبایی و دریافت نتیجه کار وی به آن وسیله، آن روی چهره غیرروشنفکری و عامی او را به تصویر می‌کشد.

مسائل اقتصادی جنبه دیگر موضوع اثر مستوفی را تشکیل می‌دهد. اوضاع نابسامان مالی و تعدی حکام بر مردم (۴۹۱/۱)، مهاجرت کارگران آذربایجانی به قفقاز در دوره مظفرالدین شاه، (۹۲/۲) نظام پولی دوره امین‌السلطان (۴۴۰-۴۴۲؛ ۴۸۶-۴۹۸)، مسائل مالی و اصلاح

از جنبه‌های بارز دیگر اثر مستوفی شیوه نگارش اوست. به کارگیری واژه‌های محاوره، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌های روسی و فرانسوی در نوشتار و انتخاب معادل نزدیک فارسی برای اصطلاح‌های بیگانه

از جنبه‌های بارز دیگر اثر مستوفی شیوه نگارش اوست. به کارگیری واژه‌های محاوره، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاح‌های روسی و فرانسوی در نوشتار که پس از بهره‌گیری از آن‌ها به توضیح، ریشه، زمان تقریبی تداول و رواج آن، تاریخچه، داستان و مفهوم آن‌ها و گاه معادل‌های مناسب و نزدیک فارسی برای اصطلاح‌های بیگانه می‌پردازد. به طور مثال کمر کار را درز گرفتن (۳۴۶/۱)، ورگذار کردن (۲۹۳/۱؛ ۳۴۷/۱)، پرازنته کردن (۳۴۸/۱)؛ اپوستیل (۲۹۲/۱)؛ کولوار (۳۰۰/۱)؛ مثل مارچوبه (۵۷/۱) به جای اصطلاح عصاقورت‌داده؛ تمیز کردن هوای (اتاق، خانه، شهر) معادل تصفیه کردن مکان از افراد مزاحم و ناخواسته (۴۸۱/۱)؛ با عصای شکسته راه پیمودن (۵۳۱/۱) و دهها نمونه از این دست واژه‌ها.

یکی از خصوصیت‌های دیگر اثر مستوفی توجه خاص او به خاستگاه خانوادگی خود یعنی گرگان و مردمان آن‌ها، بالیدن به آن، تحسین فهم و عدم طمع آنان به مال و مالکیت یکدیگر است. او معتقد است که از صد سال قبل ۵۰ درصد آنان با سواد و اهل دیانت هستند! (۴۸۰/۱) البته خود نویسنده فردی متدین و پای‌بند مذهب و شعائر مذهبی است. (۱۲۹/۲-۱۳۰-۱۳۱؛ ۵۹۶/۳-۵۹۷-۶۵۸/۳-۶۶۰)

تحقیر اقلیت‌های دینی خاصه کلیمی‌ها و قومیت‌ها از جنبه‌های دیگر اثر مستوفی را تشکیل می‌دهد که علی‌رغم اشاره مؤلف به اصالت و تحسین روح ایرانی‌ت اقوام ایرانی از جمله آذری‌زبان‌ها، توهین مشمول این هم‌میهن‌ها نیز می‌شود. (۴۳۲/۲-۴۸-۱۲۸/۲-۱۲۹-۱۳۰/۳) یکی از اظهارنظرهای بدیع مستوفی و توجه به استقلال کشور، لزوم و تأکید وی در تشکیل حزب است. با وجود این که وی در هیچ حزب و گروه فعال نیست ولی می‌گوید: «بدون تشکیل یک حزب ملی کار کشور به سامان نخواهد رسید.» (۳۳۹/۳-۳۴۰). او فراهم نمودن زمینه لازم را برای دموکراسی در تشکل، سازمان‌دهی مردم در سازمان و حزب می‌بیند.

فارغ از تحلیل و تفسیرهای مستوفی در خصوص کودتای سید ضیاء‌الدین طباطبایی و حوادث تاریخ معاصر او به اقدامات سردار سپه، از لوطی‌گری‌های دوره جوانی او، اصل و نسب وی و به تدریج نقش‌های گوناگون او در صحنه سیاسی، نظامی جامعه، فعالیت‌های حزب توده (۴۴۶/۳) و مخالفان سرسخت وی چون مدرس (۴۶۳/۳-۴۶۵) می‌پردازد. مهم‌تر آن که، سرکوب و وحشیانه منطقه لرستان را، از خدمات شایان تحسین رضاشاه قلمداد می‌کند (۵۱۲/۳-۵۱۳). او در این اعتراف به فجایع فرماندهان رضاشاه در منطقه لرستان، به افسران

ارتش برادرانه توصیه می‌کند که برخلاف گذشته در خلع سلاح اهالی منطقه با آنان مدارا کنند و در اسکان، رعایت مال و حال آن‌ها را بفرمایند که خسارت مادی و آبرویی و تلفات جانی به آن‌ها وارد نیابند. و از فرستادن سرپرستی که زنان ایل را به شیردادن سگ‌های خود وادار می‌کنند، بپرهیزند و بدانند که این‌ها هر چند نادان، ولی ودیعه خداوند هستند. (۵۹۴/۳) او در ادامه می‌گوید که به رضاشاه پهلوی بعد از آنکه شاه شد احترام می‌گذارند و کارهای سلطنتی او را همیشه تقدیر و ستایش می‌کند؛ ولی آن دسته از عملیات او را در وقتی که شاید هنوز خیال سلطنت در سر نداشتند تنها برای نیل به مقام ریاست وزرا بوده است گناه نابخشودنی او می‌داند و ادامه می‌دهد قتل فلان مقنی بیچاره، در پشت دروازه و ایجاد بی‌نظمی در داخل شهر نباید نردبان ترقی او شده و اسلحه ملت که به دست او سپرده شده بود، نباید برای ترساندن ملت به کار رفته باشد. او این فجایع را تقصیر زبردستان رضاشاه می‌داند و دوره سلطنتش را کفاره این کارهای بی‌رویه او می‌شمرد و عقیده دارد اعمال زبردستان او جز به توبه و اصلاح به هیچ چیز جبران نمی‌شود. (۵۴۳/۳)

مشخص نیست این مجیز‌گویی‌ها به خاطر ترس از سرکوب و خفقان پهلوی و اجبار در پوشاندن چهره واقعی دیکتاتوری پهلوی است یا نظر واقعی مؤلف است.

مستوفی تغییر حکومت قاجار و روی کار آمدن پهلوی را ساده‌لوحانه چنین توجیه می‌کند: «خدا وقتی بخواهد اسباب آن را فراهم می‌کند. از یک طرف سلطان احمدشاه را آن قدر ترسو خلق می‌کند ... از طرفی دیگر سردار سپه مدیر، باهوش را جلو او می‌دارد که با کش ماتش کند و با یک بمب دستی فرارش دهد ... بله اول خدا این طورشان می‌کند بعد تاج و تخت را از دستشان می‌گیرد (۵۹۷/۳)

و در جایی دیگر در دست مرزاد به رضاشاه می‌گوید: «ایرانیان باید ضجه، مویه و گریه‌زاری را برای بی‌خانمان شدن یا بهتر بگوییم خانمان پیدا کردن الوار کنار گذاشته و به جای آن هزار رحمت بر آن کسی که این خراب‌آبادی را از سر راه خوزستان کنده است، بفرستد. (۶۶۳/۳)

نتیجه: مستوفی کتاب شرح زندگانی من را با انگیزه نگارش خاطرات زندگی خویش و تشریح تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه نوشته است. این اثر در واقع کشکولی است از مطالب متنوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی که با دقت نظر و با وضوح تمام به تشریح جزئیات هر یک پرداخته است. ساده‌نویسی، به کارگیری زبان محاوره و گفتار و ضمیمه کردن ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌ها به آن جاذبه‌ای خاص بخشیده است که با آثار مؤلفان قبلی تفاوت بسیاری دارد و مصداق بارز تحول تاریخ‌نگاری قرن اخیر را نشان می‌دهد.

بی‌شک حجم عظیم مطالب کتاب، آن هم به نقل از حافظه، گفته‌ها، شنیده‌ها، مشاهده و افزودن برداشت خود به آن‌ها نمی‌تواند مصون از خطا باشد. به گفته وی باید نقادان و اهل پژوهش نتیجه‌گیری، محاکمه، مستندات و وقایع تاریخی را غربال و نرم و درست را از هم جدا کنند و حقایق تاریخ کشور را با مصالح بهتری بنگارند.